

متن پرسش

سلام علیکم: در بین سوالات به سوال ۲۹۶۱۵ رسیدم و مطالب آن پرسش‌گر محترم که دغدغه و حرارت ویژه و قابل تحسین و ارزشمندی را داشتند دیدم. سوالی که شاید خیلی‌ها را درگیر و نظام فکری‌شان را مبهم کند. بنای من هم بر این نیست که بگویم چرا چنین نسبت‌هایی را دادید و این روند شما محکوم است و مذموم، و جزمی برخورد کنم. نه؛ سخن آن عزیز عیب و ایراد داشت، ولی آن دغدغه و شور ایشان واقعا ارزش دارد. من براساس فکر عامی خودم و تلقی که در حدّ خودم از سیره‌ی حضرت آقا دارم، سخنانی رو عرض می‌کنم و به نظرم و به گواهی قلبم، امام جامعه حکمت و صبرش فوق‌العاده بالا و عظیم است. شاید بد نیست یک‌بار همه‌ی ما داستان سفر خضر نبی «علیه‌السلام» و موسی کلیم «علیه‌السلام» را مرور کنیم. ویژه آن‌جا که در بیان حکمت سوراخ کردن بدنه‌ی قایق، حضرت خضر فرمودند من این کار را کردم چون خیر اکبری در انتظار آن‌ها بود و اگر چنین نمی‌کردم، آن حاکم جبّار، راه ارتزاق‌شان را کاملاً مسدود می‌کرد. هنر ولایت مداری و امام محوری، در بحبوحه‌ی فتنه‌ها و صحنه‌های دشوار و تنگناهاست، ویژه آن‌جا که علیرغم محکّمات گفتمانی انقلاب، متشابه موضع می‌گیرد؛ و هنر اطاعت این‌جا مشخص می‌شود و غربال خالصین از آنان که همچنان سست بنیان‌اند. عبور انقلاب از تفکرات خطرناکی مانند تفکر سازندگی و اصلاحات، کم هدایت و زعامتی می‌خواهد؟ والله با آن تفکرات آقای هاشمی و آن برهه‌ی دوم خرداد که رسماً مسئولین خاک سفید گفتند باید از طریق همین دولت، ایران را به وضعیت گورباچف در دوره‌ی پایانی شوروی بیندازیم، حفظ انقلاب به شدت دشوارست. ویژه این‌که امام امت باید تا حدّ ممکن دفع افسد به فاسد کند و اتمام حجت بر آنان که با او قرابت فکری ندارند. چه کند این سیّد با آنان که مفسران قرآن‌اند و در عین حال غرب شناسانی که شعار عقلانیت و تبعیت از عقلا می‌دهند و در عین حال آنان که می‌خواهند تمام مظاهر تمدن غرب را هم‌اکنون حذف کنند و به دنبال غرب‌گریزی‌اند. این‌که امروز این‌همه نیروهای عمیق و گفتمان‌ساز انقلابی می‌بینم و انقلابی که لیبرال دموکراسی و مستکبرین را به ضعف انداخته و مردم تدریجاً از شبه مدرنیته در حال گذارند و در سطح جهان اسلام ماییم که دغدغه‌ی علم دینی و علوم انسانی توحیدی و الگوی پیشرفت اسلامی داریم و دستاوردهای محسوس مادی چشم‌گیر یافته‌ایم، ثمره چیست؟ جز این است که این سیّد آنچنان باید انقلاب را پیش ببرد که هم آفات شبه مدرنیته‌ی ۲۰۰ ساله‌ی ایرانی را بتواند پشت سر نهد، و هم مقابل مدرنیته پرچم این نهضت، رفیع بماند و در عین حال از حجاب‌هایی گذار کند که در طی دو قرن اخیر جوامع اسلامی را زمین‌گیر کرده است؟ خطر التقاطی‌ها و غربگرایی اقلّاً برای کسی که بر تاریخ معاصر مسلط باشد به شدت واضح است و بالفرض

که این افراد را حذف کنیم، با تفکرشان چه خواهید کرد و با الگوسازی‌هایشان؟ مگر سیره‌ی اولیاء معصوم بر حذف تفکر غیر ناب بود و امیر مؤمنان آمدند و آن افراد دوران خلفا را کنار زدند؟ خیر! باید از این تفکر گذار کرد و تا جایی که چشمانم به من گواهی می‌دهند هرچه جلوتر می‌رویم مشخص می‌شود غربگرایان فاقد آینده و مأوای‌اند و حتی تحلیلگران غرب هم بر این مسئله اذعان داشتند، کما این که سفیر اسبق ایتالیا در عراق یادداشت به شدت جالبی در این باب دارد. گمان می‌شود گذار از تفکری که حتی در دل حوزه‌های علمیه نفوذ کرده و رسماً اقتصاد اسلامی را به سخره می‌گیرد و آن را با علوم طبیعی مقایسه می‌کند و شأن رسول خدا «صلوات‌الله‌علیه‌وآله» را در حدّ مرشد معنوی می‌بیند، راحت است؟ آیا زعامت انقلابی که باید علوم توحیدی و جنبش نرم افزاری پیدا کند و در عین حال باید حکیمانه این دوران گذار راهبری شود، کم صبر و سعه‌ی صدری می‌خواهد؟ انقلاب، تجلی نظام امام و امت است و امام باید پا به پای مردم، آن‌ها را متذکر عطا‌ی الهیه‌ی این دوران کند و اگر مردم کُند حرکت کنند حتی ولیّ معصوم هم حرکتش کند می‌شود. رشد مردم است که به فرمایش امام متضمن بقای انقلاب است و تا این بعثت درونی در جان مردم نهادینه نشود هر چقدر هاشمی‌ها و خاتمی‌ها و روحانی‌ها و لاریجانی‌ها کنار زده شوند، مشکلی حل نخواهد شد. اگر گاه امام انقلاب و خضر نهضت اجازه می‌دهد به کشتی انقلاب و حرکت نهضت، خللی وارد شود، مطمئناً خیر اکبری را در انتظار می‌بیند و به دنبال قطع ید است و اتمام حجت بر آنان که با کوچک‌ترین حرفی نامه‌ی سرگشاده می‌نویسند و هجمه‌ها که نمی‌کنند. چنین رهبری که به این شکل به مدرنیته معرفت داشته باشد و راه گذار از آن در ساحت انقلاب و در عین حال نگاه تمدنی و منسجم و جهانی به اسلام و مبانی فقهی، را داشته باشد، نعمتی است که وجودش خیر و برکت برای امت هست. او در عصری زعامت انقلاب را بر عهده گرفته که شرایط به مراتب حساس‌تر از عصر حضرت امام است و او آنچنان ممتاز این علم را بالا نگه داشت تا جوانانی که شهدا و امام شهدا را ندیده‌اند چنین پاک‌باخته‌ی انقلاب شوند و حتی دشمنان را به عجز وادارد. آیا نباید در این حرف نتانیاهاو تدبّر کرد که بزرگ‌ترین خطر ما شخص آیت الله خامنه‌ای است و این که فوکویاما، ایشان را ابرحریفی برای نظام سلطه خواند. اگر علیرغم محکمت صریح امام امت، متشابهی یافتیم، کلان نگاه کنیم و خیر اکبری را در نظر بگیریم که به صحنه می‌آید چنانچه امروز امید حقیقی برای عبور از عالم تجدد در بستر انقلاب اسلامی است و شیخ عمران نزار حسین به خوبی این مسئله را دریافت و به آقا نامه نوشت و گفت شما زمینه‌ی شکستن هیمنه استکبار را در بین تمام جهان اسلام دارید و ما امیدمان به شماست. صراط مستقیم انقلاب که نه تحجر، نه غربگرایی، نه التقاط است در مسیری است که حکیمانه و به تدریج مقابل ما این رهبری عزیز می‌گشاید؛ دلیلش هم مشخص است چون انقلاب حقیقتی بس نورانی و اشراقی است که به تدریج و فرآیندی به ظهور می‌آید و باید از طریق صالحین، از اجمال به تفصیل برسد.

باسمه تعالی: سلام علیکم: این شما و این نظر کاربر عزیز! بنده حرفی بهتر از آنچه ایشان گفت ندارم. حقیقتاً اصیل‌ترین نگاه در این زمانه، درست‌شناختن و درست‌فهمیدن جایگاه رهبر معظم انقلاب است، حالا می‌فهمیم چرا رسول خدا «صلوات‌الله‌علیه‌وآله» فرمودند: «مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرفِ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»؛ هر کس بمیرد و امام زمانش را نشناخته باشد، به مرگ جاهلی مرده است. من نمی‌گویم رهبر انقلاب امام زمان اند ولی او زمانه خود را می‌شناسد.

پیشنهاد بنده آن است که کاربران عزیز با دقت کامل سخنان سؤال‌کننده را که از سر دلسوزی و شور معنوی و بصیرت تاریخی نوشته‌اند، مطالعه فرمایند. موفق باشید